شورای شهر برای توسعه شهری تصمیم‌های نگران‌کننده‌ای گرفت

نیازمندی‌های عمرانی تهران!

نورا حسینی: این روزها وقت اصلی صحن علنی شورای شهر تهران یا به میزبانی معاونان شهردار تهران که هرکدام مدیریت یک قرارگاه در تهران را هم بر عهده دارند می گذرد، یا براساس مناسب‌های تقویمی میزبان مدیری از نهادهای دیگر است. پرونده باغات و تغییرنام خیابان‌ها هم اختتامیه هر جلسه است.

این هفته شورای شهر تهران میزبان دادستان کل کشور بود. محمدجعفر منتظری از اعضای شورای شهر خواست که برای ساخت زندانی برای تهرانی‌ها چاره‌اندیشی کنند. او از پول‌هایی گفت که هزینه می‌شود تا فضای شهر تهران فضایی اخلاقی و اسلامی نباشد. زمانی که می‌خواست از امضافروشی برخی از مهندسان ناظر ساختمانی سخن بگوید، از اینکه جلسات شورای شهر به‌صورت زنده از آپارات پخش می‌شود، گلایه کرد.

منتظری اعتقاد داشت که لیست ۱۲۹ ساختمان ناایمن اطلاعات درون‌خانوادگی است که نباید منتشر می‌شد و همین که مسئولان دغدغه ایمن‌سازی این ساختمان‌ها را داشته باشند و به سمت ایمن‌سازی بروند، کافی است اما نباید در این زمینه مردم را نگران کرد. موضوعی که با نگاه اعضای شورای شهر تهران متفاوت بود.

قبل از آغاز سخنان او احمد صادقی، عضو شورای شهر تهران، از تصمیم فاجعه‌آمیزی خبر داد که دو هفته پیش در شورای عالی شهرسازی گرفته شده و می‌تواند در زمان بحران حادثه‌ای بزرگ و تلخ را رقم بزند.

او به تبدیل اراضی ۵۰ هکتاری دوشان‌تپه به بوستان و خیابان اشاره کرد و گفت: می‌خواهم مردم تهران را از فاجعه بزرگی که از این تصمیم درحال رخ‌دادن است، آگاه کنم و در صورت لزوم تذکرات لازم را به دست‌اندرکاران از جمله شهرداری تهران داده باشم. طرح موضعی اراضی دوشان‌تپه در منطقه ۱۳ یکی از تکالیف طرح جامع تهران بوده که تاکنون محقق نشده و با توجه به موقعیت و قابلیت‌هایی که این محدوده در شرق تهران دارد، باید گفت این منطقه یکی از محدود فرصت‌های پایتخت است که می‌تواند برای مدیریت بحران و پدافند غیرعامل مورد استفاده قرار گیرد؛ بنابراین موضوع تصمیم‌گیری در این اراضی یک موضوع ملی است و اهمیت بسیار دارد.

به گفته او با توجه به قابلیت دسترسی به دو بیمارستان اصلی شهر و همچنین وجود استادیوم و زمین تنیس و فضای ساخته‌شده باز شهری اراضی فوق یکی از نقاط مهم برای پشتیبانی و اسکان اضطراری حوزه شرق تهران است. همچنین معاونت امور بازسازی و بازتوانی سازمان مدیریت بحران کشور در نامه مورخ سوم دی ۹۹ بر حفظ باند پروازی موجود و طراحی کاربری مرتبط با مدیریت بحران در این اراضی مانند مرکز آموزشی و پایگاه پشتیبانی مدیریت بحران ضمن لحاظ نیازهای معطوف به ساختار ارتباطی و سازمان فضای منطقه تأکید کرده است.

به گفته صادقی سازمان پدافند غیرعامل هم بر موضوع لزوم حفظ باند پروازی موجود در مواقع بحرانی و اضطرار جهت انتقال مصدومان و مجروحان و همچنین به‌عنوان اصل جایگزین در صورت اختلال و آسیب‌دیدن فرودگاه مهرآباد مطرح کرده است.

این عضو شورای شهر تهران ادامه داد: با وجود مواردی که اشاره شد، کمیسیون ماده ۵ شهرداری تهران در جلسه ۶۲۷ خود براساس آخرین توافق بین شهرداری و وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح مصوباتی را به شورای عالی شهرسازی و معماری پیشنهاد می‌دهد و شورای عالی شهرسازی و معماری در کمال تعجب با آن موافقت می‌کند. براساس این مصوبه همه نظرات کارشناسی دستگاه‌های مسئول و کارشناس نادیده گرفته می‌شود و وضعیت اراضی تغییر کاربری می‌شود تا جایی که در بند مصوبه ۱۹ اردیبهشت ۱۴۰۱ تغییر کاربری مسکونی به مساحت ۲۰۶هزارو ۱۴۰ مترمربع در حداکثر ۱۱ طبقه موافقت شده و پیش‌بینی سرانه‌های دیگر از قبیل ورزشی، فرهنگی، تجهیزات شهری و تجاری نیز دیده شده است. این یعنی نادیده‌گرفتن همه ملاحظات ایمنی مدیریت بحران و پدافند غیرعامل و بی‌توجهی به دستگاه‌های مسئول در این زمینه.

آسیب‌هایی که حمله سایبری به سامانه‌های شهرداری وارد کرده موضوع یکی دیگر از تذکراتی بود که در صحن شورای شهر تهران مطرح شد. این عضو شورای شهر تهران که درخواست داشت شهرداری آخرین وضعیت سامانه‌های شهرداری و آرشیو اطلاعات شهرداری را توضیح دهد، به مصاحبه یکی از نمایندگان مجلس استناد کرد.

جعفر شربیانی گفت که یکی از نمایندگان مجلس چندی پیش در رسانه‌ها اعلام کرد و بنده نیز با این مسئله روبه‌رو شده‌ام که هک‌شدن و ازکارافتادن سامانه‌های شهرداری را به‌نوعی ماحصل رعایت‌نشدن شایسته‌سالاری در انتصابات و عدم پاسخ‌گویی شهرداری دانسته‌اند. دومین مسئله‌ای که این نماینده مجلس به آن اشاره کرده، این است که مرکز اسناد و آرشیو شهرداری به‌طور کامل به شرایط قبل بازنگشته است و تا به‌کارگیری و بارگذاری نسخه‌های پشتیبانی داده‌ها بک‌آپ مناطق، سازمان‌ها و شرکت‌ها مجبور هستند خارج از روال معمول تصمیم‌گیری کنند. او ادامه داد: در ملاقات‌های مردمی چهار هفته اخیر و نشست‌های تخصصی کارشناسان و مدیران نواحی و مناطق در حوزه شهرسازی متوجه چالش‌های ارائه خدمت به شهروندان شدم؛ چراکه به اذعان کاربران مناطق با وجود راه‌اندازی سامانه‌ها متأسفانه هنوز آرشیو الکترونیکی اسناد با اختلال یا کندی روبه‌رو هستند.

سیدجعفر منتظری، دادستان کل کشور هم که بخش اصلی صحن شورا به سخنان وی اختصاص داشت، بر پیگیری حقوق عامه از سوی شوراهای شهر تأکید کرد. به گفته او یکی از وظایف و تکالیف شورای شهر هم این است که هر جایی حقی از حقوق مردم تضییع می‌شود، نیازمند این است که از ظرفیت دادستان استفاده کنید. یک‌سری وظایف بر عهده شوراها و شهرداری‌هاست و باید به میدان بیایند. تخلفات ساختمانی جزء وظایف شورا و شهرداری‌هاست و باید با آن برخورد کنند.

او ادامه داد: گاهی اوقات شوراها زمینه‌ساز تخلفات شهری هستند، در حادثه دلخراش متروپل آبادان ما ورود جدی پیدا کردیم و هیئتی به آنجا اعزام شد و مطالعه جامعی انجام شد که در فرصت مناسبی اطلاع‌رسانی می‌شود. در حادثه متروپل وقتی بررسی کردیم یکی از مؤثرترین عوامل در این حادثه کوتاهی‌هایی بود که در حوزه شهرداری نظارت شورای شهر به وقوع پیوسته است. همه مکاتبات و اسناد نیز موجود است.

دادستان کل کشور با اشاره به تصویب به رأی وحدت رویه درخصوص قانون تغییر کاربری هم گفت: دو پرونده درخصوص موضوع تغییر کاربری داشتیم که دو رأی معارض داشت. آیا تغییر کاربری که به‌عنوان تخلف محسوب می‌شود، یک تخلف آنی است یا مستمر؛ یک دادگاه رأی داده بود مبنی بر اینکه تخلف آنی است، اگر تخلف آنی باشد دیگر نمی‌توانیم این فرد را در یک سال بعد تحت تعقیب قرار دهیم اما اگر مستمر باشد، می‌توانیم آن را تحت تعقیب قرار دهیم. در این خصوص نیز از دو دادگاه دو رأی متفاوت صادر شده بود، ازهمین‌رو درخواست رأی وحدت رویه کردیم که در روز سه‌شنبه رأی‌گیری شد و رأی وحدت رویه مبنی بر این بود که یک تخلف آنی است. این آثار و تبعات خوبی ندارد؛ یعنی اگر کسی تغییر کاربری داد، اگر همان روز تحت تعقیب کیفری قرار گرفت که هیچ اما یک هفته بعد دیگر نمی‌توانیم این فرد را تحت تعقیب قرار دهیم. این امر موجب می‌شود دامنه تخلفات گسترده شود، از این به بعد ما نمی‌توانیم تخلفات کاربری را پیگیری کنیم. من این را یک تخلف مستمر می‌دانم، نظر ما رأی نیاورد ولی شما در دستور کار قرار دهید.

او در پاسخ به صحبت‌های یکی از اعضای شورای شهر درباره استفاده از اراذل و اوباش در ساخت‌وسازهای غیرمجاز هم گفت: استفاده از اراذل و اوباش در ساخت‌وسازهای غیرمجاز عجیب‌وغریب است، شما هر مورد و مصداقی دارید به ما بگویید، چه در تهران و چه در حومه تهران به دادستان تهران اعلام کنید و رونوشت به من بدهید، قطعا به‌سرعت پیگیری خواهد شد.

دادستان کل کشور به اتفاقات شیراز نیز اشاره کرد و گفت: هزینه زیادی می‌شود که فضای شهر تهران یک فضای غیراخلاقی شود، متأسفانه اخیرا همه دیدیم که از دختران نوجوان و جوان استفاده می‌شود. باید هم شهرداری و هم شورای شهر و همچنین دستگاه قضائی و فرهنگی تعاملی در این زمینه داشته باشند، برای ما زشت است که اجازه دهیم چهار نفر آدم که از خارج مأموریت دارند، چنین فضایی را در شهر ایجاد کنند. در یکی از مواردی که دستگیر کردیم، خانمی در ملأعام لخت و برهنه حرکت کرده می‌کرد، بعد معلوم شد که پول دریافت کرده تا این‌گونه حرکت کند و بعد هم از آن فیلم‌برداری کنند و در فضای مجازی منتشر کند.

او با بیان اینکه باید در این زمینه کار فرهنگی بشود، تأکید کرد: باید کار فرهنگی را گسترده کنیم و به کار قضائی موکول نکنیم. در بسیار جاها می‌گویند چرا با بدحجاب برخورد نمی‌کنید اما باید در ابتدا در این زمینه کار فرهنگی صورت بگیرد. کار فرهنگی کشور مسئول دارد، بودجه و اعتبار دارد، مسئولان فرهنگی باید به وظیفه خود عمل کنند، شما به‌عنوان مطالبه‌گری این موضوع را در دستور کار قرار دهید.

منتظری با اشاره به وضعیت زندان‌ها در استان تهران خاطرنشان کرد: وضعیت زندان‌های ما در تهران مناسب نیست، البته این یک موضوع سراسری است. در کل کشور تعداد زندانیان با ظرفیت زندان تناسب ندارد. دو زندان تهران در خارج از شهر است. زندان‌های قزلحصار و رجایی‌شهر در زمانی که کرج جزئی از تهران بود، در آنجا ساخته شده است و درحال‌حاضر دو زندان مهم تهران در استان کرج است که مشکلات فراوانی دارد. اگر فکری برای این قضیه کنید، عالی است و این را در دستور کار بگذارید.

دادستان کل کشور تأکید کرد: ما نمی‌توانیم شهر را فاقد زندان کنیم، این افرادی که امنیت مردم را هدف قرار می‌دهند، نمی‌توانند رها باشند، البته کاهش جمعیت زندان از برنامه‌های قوه قضائیه است اما به‌هرحال برای عده‌ای که مرتکب جرم می‌شوند، سرقت‌هایی که می‌شود و اراذل و اوباشی که امنیت مردم را بر هم می‌زنند، باید زندان وجود داشته باشد، شهر بدون تعارف نیاز به زندان دارد و باید این را در دستور کار قرار دهید.

منتظری با اشاره به انتشار اسامی ساختمان‌های ناایمن هم گفت: انتشار این اسامی اقدام درستی نیست، چون اینکه بگوییم چه تعداد ساختمان درحال ریزش هستند، باعث التهاب در جامعه می‌شود. انتشار هر چیزی به مصلحت نیست. شفاف‌سازی اتفاق خوبی است اما در شهر تهران مسائلی وجود دارد که مسئولان باید بدانند و پیگیری کنند. مهم این است که مسئولان بی‌تفاوت نباشند و مطالبات را دنبال کنند.

تحصیل کودکان مهاجر، فرصتی برای اصلاح ساختار معیوب آموزش و پرورش

مهسا جورمند، کارشناس انجمن دیاران: دکتر احمد میدری، معاون سابق رفاه اجتماعی در وزارت کار، رفاه و تعاون اجتماعی، در نشستی که با عنوان «تحصیل کودکان مهاجر، سازوکاری برای اصلاح ساختاری در آموزش و پرورش» و به همت انجمن دیاران برگزار شد، با اشاره به وضعیت امروز آموزش و پرورش در ایران گفت:

بازآفرینی و تجدیدساختار سیستم‌های اقتصادی و اجتماعی به کارآمدی منجر می‌شود. به تعبیر دیگر سیستم‌ها می‌توانند برای اقشاری خاص باشند یا به سمت فراگیری و شمولیت عام حرکت کنند. سیستم‌هایی که هدف دوم را دنبال می‌کنند، به ناچار باید آن‌قدر کارآمد و توانمند باشند تا بتوانند به محروم‌ترین گروه‌ها خدمت کنند. در مقابل سیستم‌هایی که از نوع اول هستند، در جلوه بیرونی جذابی که دارند از درون ناکارآمد هستند. مثلا فرض کنید تعدادی دانش‌آموز انتخاب می‌کنید، در یک‌سری مدارس خاص به آنها آموزش می‌دهید و درنهایت راهی المپیادهای بین‌المللی می‌شوند که رتبه‌های خیلی عالی هم می‌گیرند. بعد می‌گویید در المپیاد ریاضی، شیمی و فیزیک ما این رتبه‌ها را داریم. اما وقتی مراجعه می‌کنیم به بدنه دانش‌آموزی می‌بینیم که عموم دانش‌آموزان از دانش و سواد لازم برخوردار نیستند و درنهایت سیستم‌هایی که به این شکل منحصر به قشر خاصی هستند، ناپایدارند. پایداری در دنیای امروز نیازمند ارائه خدمات به هرکسی است که در چارچوب ملی یک کشور زندگی می‌کند. در غیر این صورت احساس طردشدگی که در یک گروه به وجود می‌آید، باعث برهم‌خوردن نظم اجتماعی می‌شود و با اصول پذیرفته انسانی که در نظر داریم مغایر است. غیر از بحران‌هایی که سیستم‌های غیرفراگیر در آینده به وجود می‌آورند، ناکارآمد هم هستند؛ یعنی برای همان خدماتی که می‌خواهند به اقشار خاصی دهند، هزینه‌های خیلی زیادی را متحمل شوند.

می‌توان به تفاوت کشورهایی اشاره کرد که سیستم‌های درمانی فراگیر دارند و نیز به حقوق برابر افراد قائل هستند با کشورهایی که به اقشار محدودی خدمات درمانی می‌دهند. سیستم درمانی‌ای که در کشورهای اروپای قاره‌ای وجود دارد، سیستمی است که در رتبه‌بندی جهانی جزء کشورهای بالا هستند و به‌طور مشخص فرانسه، از نظر کارآمدی سیستم درمان برترین کشور دنیاست. هزینه‌ای که در فرانسه سالانه صرف درمان هر فرد در بخش سلامت، اعم از پیشگیری و درمان می‌شود سه‌هزارو ۶۰۰ دلار است. اما در آمریکا این هزینه هفت‌هزارو ۳۰۰ دلار است؛ یعنی تقریبا دوبرابر فرانسوی‌ها هزینه می‌کنند اما رتبه آنها در دنیا سی‌وهفتم است. از نظر شاخص‌های سلامت، طول عمر فرانسوی‌ها سه سال بیشتر از آمریکایی‌هاست، مرگ قابل پیشگیری در فرانسه دوبرابر بهتر از آمریکاست. یعنی در آمریکا ۹۰ مرگ قابل پیشگیری در صد هزار مرگ رخ می‌دهد، در فرانسه ۵۰ مرگ اتفاق می‌افتد. مرگ کودکان در فرانسه خیلی کمتر از آمریکاست. اینکه چرا فرانسوی‌های می‌توانند یک سیستم درمانی خوبی داشته باشند، به‌خاطر این است که درمان را به عنوان یک اصل برابر پذیرفتند؛ یعنی همه انسان‌ها بدون میزان سطح درآمدشان، باید از خدمات درمانی خوب بهره‌مند شوند. برای رسیدن به این هدف یک سیستم ارجاع درمانی خیلی منسجم طراحی کردند که وقتی افراد می‌خواهند به سیستم درمانی مراجعه کنند، باید پزشک خانواده داشته باشند، هرکسی نمی‌تواند به‌طور مستقیم به پزشک متخصص مراجعه کند. به عبارتی یک سیستم جیره‌بندی کاملا تحت نظارت دولت وجود دارد. این سیستم خیلی کارآمدتر است؛ هزینه‌هایش نصف سیستم آمریکاست؛ چراکه برخلاف آمریکا درمان برابر را به عنوان یک اصل پذیرفته است.

در سیستم آموزشی هم به همین روال است. کشورهایی که سیستم آموزشی برابر دارند، مثل کشورهای اروپای قاره‌ای و کره جنوبی و چین، در رشد اقتصادی آنها این امر اثرگذار است؛ چراکه هزینه‌های کمتری را متحمل می‌شوند.

برای مثال وقتی شما شبکه آب را طراحی می‌کنید، اگر یک شبکه برابر ایجاد کنید، خیلی کارآمدتر از این است که هر گروهی بخواهد برای خودش یک سیستم آشامیدنی طراحی کند. به همین علت همه دولت‌ها برابری در آب و برق را ایجاد کردند و به میزان قدرت خرید فرد، مصرف آب می‌تواند متفاوت باشد ولی کیفیت‌ها و دسترسی‌ها تقریبا برابر توزیع می‌شود.

نظام آموزشی ایران به شدت طبقاتی شده است

با بررسی‌هایی که در معاونت رفاه درباره سیستم آموزشی داشتیم، با مشکلات مختلفی در نظام آموزشی ایران اکنون روبه‌رو هستیم. یکی از آنها بحث نخبه‌پروری است که می‌شود با استناد به آمارها آن را نشان داد. ما در المپیادهای جهانی عموما رتبه ۱۰ کشور برتر را داریم ولی از نظر سطح آموزش عمومی در آزمون‌هایی مثل پریلز و تیمز که میزان سواد کودکان چهارم دبستان و هشتم را بررسی می‌کنند، ما معمولا جزء ۱۰ کشور آخر هستیم، هرچند به‌صورت کلی این آزمون در ۵۰ کشور دنیا بررسی می‌شود. به‌هرحال سطح آموزش عمومی ما به‌هیچ‌وجه مناسب نیست. یکی از علت‌هایی که ما بررسی کردیم که درواقع بحث کارآمدی سیستم‌های فراگیری را به‌خوبی نشان می‌دهد، در ایران نظام آموزشی به‌شدت طبقاتی‌شده است. یعنی گروه‌هایی بر حسب درآمد به مدارس غیرانتفاعی می‌روند، طبق گزارشی که آموزش و پرورش خوشبختانه در سال گذشته منتشر کرد، احتمال قبول‌شدن در کنکور میان کسانی که رتبه زیر سه هزار آورده‌اند، در مدارس غیردولتی، مثل غیرانتفاعی‌ها یا هیئت‌امنایی‌ها، ۵۰ برابر مدارس دولتی است؛ یعنی کسی که به مدرسه دولتی می‌رود، احتمال اینکه بتواند در رشته‌های خوب دانشگاهی قبول شود، یک‌پنجاهم کسی است که در مدرسه متفاوت (غیردولتی) تحصیل می‌کند.

نبود آموزش‌های مهارتی، دلیل افت تحصیلی شدید در مدارس

مشکل دیگری که با آن روبه‌رو هستیم، افت تحصیلی در دوره‌های مختلف تحصیلی است. در دوره ابتدایی خوشبختانه آمار کودکانی که به مدرسه نمی‌روند زیاد نیست. براساس بررسی‌هایی که انجام دادیم و من می‌توانم از آنها دفاع کنم، چراکه این آمار براساس کد ملی است، چیزی حدود ۱۵۰ هزار نفر است. اما در مقاطع متوسطه اول و دوم این آمار بسیار بیشتر می‌شود. چرا؟ یکی از علت‌های خیلی واضح این است که بچه‌ها انگیزه‌ای برای درس‌خواندن ندارند. غیر از مسائل دیگری که وجود دارد، مسئله اساسی در ایران این است که آموزش‌های مهارتی بسیار به‌ندرت صورت می‌گیرد. حدودا از دهه ۴۰ تا به امروز قرار است تعداد دانش‌آموزانی که در مدارس فنی‌وحرفه‌ای درس می‌خوانند، به ۵۰ درصد برسد. ولی آمار رسمی ما هیچ‌وقت بیشتر از ۳۵ درصد نبوده که آن‌هم در تعاریف دقیقش که وارد شویم، کمتر از اینهاست. اما در کشورهایی مثل آلمان و اتریش این نسبت به ۷۵ درصد می‌رسد؛ یعنی ۷۵ درصد بچه‌ها از دوره متوسطه اول وارد مدارس مهارت‌آموزی می‌شوند و به دلیل نیازی که در بازار کار وجود دارد، بچه‌ها مهارت‌هایی را یاد می‌گیرند که بعد از دیپلم بتوانند وارد کارخانه‌ها و مشاغل مختلف شوند.

اصلاح ساختاری نظام آموزشی ما می‌تواند از تحصیل کودکان مهاجر آغاز شود

دکتر میدری در ادامه با نگاهی به ظرفیت کودکان مهاجر در اصلاح نظام آموزشی توضیح داد: ما وقتی از این دیدگاه نگاه کنیم، به این نتیجه می‌رسیم که اصلاح سیستم آموزشی ما باید متوجه فقیرترین‌ها باشد؛ یعنی دغدغه اول ما حضور در المپیادهای بین‌المللی نباشد، نخبه‌پروری نباشد بلکه این باشد که ما چگونه می‌توانیم به کودکان محروم آموزش‌هایی بدهیم که آینده شغلی آنها را تضمین کند.

در ایران ما همه را می‌فرستیم در آموزش معمولی، پشت در کنکور، بعد هرساله سه هزار نفر از این تعداد احساس غرور می‌کنند و باقی احساس عقب‌ماندگی و ناتوانی عمیق. به‌جای آنکه ما متناسب با استعدادها، علایق و نیازهایی که کشور به نیروی کار فنی دارد پیش برویم، به سمت یک آموزش عمومی که درنهایت به چند دانشگاه خوب ختم می‌شود و آن چند دانشگاه خوب هم دانشجویانش معمولا در ایران نمی‌مانند و درصد بالایی از آنها مهاجرت می‌کنند. این یک ناکارآمدی بزرگ است. حالا برای آنکه بتوانیم مهارت‌آموزی را در ایران افزایش دهیم، قوانینی داریم که در دهه ۶۰ نوشته شده‌اند و ظاهرا در آن زمان مسئولان آشنایی لازم را با سیستم آموزشی آلمان داشتند و می‌خواستند آن را انتقال دهند، به‌نحوی‌که بچه‌ها در سیستم‌های کار و دانش بتوانند وارد مدارس مهارت‌آموزی شوند. ولی این کار پیچیدگی‌های متعددی دارد که به همین علت ما همیشه در اجرا ناموفق بودیم. برای اینکه بچه‌ها بتوانند در محیط عملی کار کنند باید اصناف و کارخانه‌ها پذیرای دانش‌آموزان باشند و این کار آسانی نیست. در اتریش این کار یک اصل است ولی در ایران اینکه شما بتوانید دانش‌آموز را بفرستید به تراشکاری، نجاری، قنادی و آرایشگری و حرفه‌های دیگر که تحت نظارت و کنترل خانواده‌ها و وزارت آموزش‌وپرورش باشند، تغییر بسیار بزرگی است. در مدارس بچه‌ها یاد گرفته‌اند که در کلاس بنشینند و درس بخوانند ولی اینکه بتوانند در محیط‌های کار آموزش ببینند، کار ساده‌ای نیست.

تحصیل کودکان مهاجر از این منظر یک فرصت برای اصلاح ساختار آموزش و پرورش کشور ماست. من فکر می‌کنم که کودکان مهاجر در ایران هم علاقه و انگیزه‌های بسیار بیشتری دارند و هم خانواده‌هایشان با محیط‌های فنی و صنعتی بسیار بیشتر در ارتباط هستند. یعنی بخش زیادی از نیروی فنی ما را امروز مهاجران تشکیل می‌دهند؛ در صنایع مختلف ما از سرامیک، سنگ‌بری تا صنعت نساجی، چرم و ساختمان‌سازی مهاجران مشغول هستند. ما می‌توانیم کودکان مهاجر را در این سیستم آموزشی انتقال دهیم و می‌توانیم شرح دروس آموزشی متناسب را طراحی کنیم که بخشی از آنها در آموزش و پرورش ایران انجام شده اما بخش اجرائی آن بسیار محدود است و با توجه به ویژگی‌هایی که در خانواده‌های مهاجران وجود دارد، من فکر کردم که آن بحث بازآفرینی سیستم آموزشی را با توجه به ظرفیت کودکان مهاجر در ایران جلو ببریم.

در جمع‌بندی صحبت‌هایم باید بگویم که ما می‌توانیم به اقشار کم‌درآمد که محروم‌ترین هستند که معمولا در همه‌جای دنیا بخشی از مهاجران هم شامل آنها می‌شوند، به عنوان ظرفیتی برای اصلاح سیستم نگاه کنیم و نظام آموزشی ایران به‌شدت نیازمند اصلاح است، این سیستم آموزشی ما ناکارآمد و نخبه‌پرور است و از نظر من هزینه و تلفات زیادی را به کشور تحمیل کرده. ما می‌توانیم با توجه به ویژگی‌های کودکان مهاجر، اصلاح نظام آموزش و پرورش ایران را از این کودکان شروع کنیم. با توجه به تأکید مقام معظم رهبری، خوشبختانه آموزش و پرورش هم پذیرای آموزش کودکان مهاجر است، ما باید به سمت گسترش مهارت‌آموزی میان کودکان مهاجر حرکت کنیم و این امر را مثل کودکان مهاجر در آمریکا پلی بگذاریم برای اصلاح سیستم آموزشی‌مان.

گواهینامه موقت فارغ التحصیلی **اینجانب رامین امیر قاسمی** فرزند محمدباقر به شماره شناسنامه ۸۰ و کد ملی ۰۰۵۴۷۷۶۰۶۶ صادره از تهران در مقطع کارشناسی رشته مهندسی کامپیوتر نرم افزار صادره از واحد دانشگاهی تهران شمال مفقود گردیده است و فاقد اعتبار می باشد. از یابنده تقاضا می شود گواهینامه موقت را به دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال به نشانی تهران، بزرگراه شهید بابایی (غرب به شرق) خروجی حکیمیه، خیابان شهید صدوقی، بلوار وفادار، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال ارسال نماید.

برگ سبز و سند کمپانی **خودرو تیبا ۲** رنگ سفید روغنی مدل ۱۳۹۶ به شماره پلاک ایران ۴۰ _ ۳۸۱ س ۱۴ و شماره موتور M158451723 و شماره شاسی NAS821100H1104171 به نام **امیر ارسلان ولی‌پور** مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.

برگ سبز و سند کمپانی **خودرو پژو 206TU3** رنگ سفید روغنی مدل ۱۳۹۸ به شماره پلاک ایران ۷۷ _ ۲۷۳ ص ۳۷ و شماره موتور 182A0072811 و شماره شاسی NAAP03EE5KJ742324 به نام **جلال علی پور** مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.

برگ سبز **خودرو پژو پارس TU5** رنگ سفید روغنی مدل ۱۳۹۸ به شماره پلاک ایران ۲۲ _ ۵۸۱ ی ۷۳ و شماره موتور 139B0160096 و شماره شاسی NAAN11FE0KH413416 به نام **صابر مولانائی** مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.

مدرک فارغ التحصیلی **اینجانب اشکان آصفی** فرزند زاهد به شماره شناسنامه ۱۷۷۶۷ صادره از تهران در مقطع کاردانی پیوسته رشته کامپیوتر صادره از واحد دانشگاهی کرج _ سما با شماره ۱۴۸۶۱۱۵۰۴۷۶۳ مفقود گردیده است و فاقد اعتبار می باشد. از یابنده تقاضا می شود اصل مدرک را به دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج _ سما به نشانی دانشگاه آزاد اسلامی کرج ارسال نماید.

برگ سبز **خودرو PARS XU7 P** مدل ۱۴۰۱ به شماره پلاک ۸۷ ایران ۹۱۵ ط ۴۹ و شماره موتور 125K0002009 و شماره شاسی NAANA15E8NH441163 به نام **خانم فاطمه حضرتی** مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد

برگ سبز و سند کمپانی **خودرو پراید جی تی ایکس آی** رنگ سفید روغنی مدل ۱۳۸۸ به شماره پلاک ایران ۱۳ _ ۸۲۸ ن ۳۶ و شماره موتور ۲۷۹۵۴۸۴ و شماره شاسی S1412288926662 به نام **الهه برزگری نائینی** مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.

کارت **خودرو تیبا ۲** رنگ سفید روغنی مدل ۱۴۰۰ به شماره پلاک ایران ۴۰ _ ۷۸۹ ط ۱۷ و شماره موتور M15/9314256 و شماره شاسی NAS821100M1341434 به نام **سپیده مهران** مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.